نوابیغ

عفّت چهره‌گشا و سیّد عباداله محمودیان
دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه صنعتی شریف

(از: خبرنامه انجمن ریاضی ایران، شماره ۱۰۳ بهار ۱۳۸۴)

چکیده

احتمالاً تا به حال شنیده‌اید که حدس معروف گلدباخ هنوز اثبات نشده است. پس ریاضی‌دان‌ها چه می‌کنند؟ آیا کسی را می‌شناسید که به فکر اثبات آن باشد؟ تابعی سراغ دارید که به کمک آن بتوان اعداد اوّل را تشخیص داد؟ اگر کسی ادّعا کند که می‌تواند هر زاویهٔ دلخواه را تنها با کمک خط‌کش و پرگار به سه قسمت مساوی تقسیم کند در مورد او چه فکر می‌کنید؟ آیا او یک نابغه است؟

مقدّمه

می‌خواهیم در مورد نوابیغ صحبت کنیم. نه اشتباه نکنید نوابیغ جمع نابغه نیست. در واقع نوابیغ افرادی هستند که ادّعای نبوغ دارند و معمولاً یک جایی یک مسأله ریاضی حل نشده دیده‌اند. مثلاً در یک مجلهٔ ریاضی، یک مسأله با جایزهٔ ۱ میلیون دلاری دیده‌اند یا در دبیرستان از دبیر ریاضی خود شنیده‌اند که فلان مسأله قرن‌ها حل نشده باقی مانده است. بعد سعی می‌کنند آن را حل کنند. حتّیٰ ممکن است سال‌های سال عمر عزیزشان را بر سر این کار تلف کنند. این اشخاص در تمام کشورها یافت می‌شوند. در کشور ما نیز نوابیغ پیدا می‌شوند. تجربه چند سال اخیر، ما را بر آن داشت که به دلایلی که توضیح خواهیم داد این مقاله را بنویسیم. در این مقاله حروف لاتین را برای ارجاع به بعضی از این اشخاص به‌کار برده‌ایم و به دلایلی که در متن مقاله روشن خواهد شد از آوردن مشخصات آنان خودداری کرده‌ایم.

۱. دسته‌بندی نوابیغ

ما نوابیغ را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

- **کسانی که سعی می‌کنند ناممکن‌ها را ممکن سازند!**

این دسته به تثلیث‌گرها یا Trisectorها معروفند. **تثلیث‌گر** یعنی کسی که سعی می‌کند فقط با کمک خط‌کش و پرگار زاویه را به سه قسمت مساوی تقسیم کند. امّا غیر از این‌ها افراد دیگری هم جزء این دسته هستند. مثلاً کسانی که سعی می‌کنند فرمول **محیط بیضی** را کشف کنند یا بر روی روش **تربیع دایره** و **تضعیف مکعب** و ... کار کنند. برای اطّلاع از ناممکن بودن این‌ها به کتاب مرجع [دو] مراجعه شود. یا حتّیٰ هستند کسانی که سعی می‌کنند فقط با دو رنگ هر نقشه‌ای را رنگ کنند!

- **مدّعیان حل مسأله‌های حل نشده معروف**

این دسته نسبت به دستهٔ اوّل کمی معقول‌ترند. ایشان آدم‌هایی هستند که سعی می‌کنند مسأله‌های بزرگ حل نشده را که به پیش زمینه‌های ریاضی قوی نیاز دارند، بدون داشتن آن پیش زمینه‌ها حل کنند. مثلاً **فرضیهٔ گلدباخ**، **فرمول تولید اعداد اول** و ...

• **بنیان‌گذاران نظریه‌های بی‌اساس**

این افراد مدّعی بنیان‌گذاری نظریه‌های بی‌پایه ولی از نظر خودشان بسیار مهم هستند، که حتّیٰ می‌تواند دنیای ریاضی را متحوّل کند. در بین این دسته کسانی هستند که با شنیدن ادّعایشان عصبی می‌شوید. شاید هم کلّی بخندید. مثل کسی که ادّعا می‌کند:

«پایان امسال می‌توانم نظریهٔ نامرئی کردن فیزیکی اشیاء را کامل کنم.» (X) و یا

«شاید برایتان باور نکردنی باشد که این کتاب و این تحقیقات را یک جوان بیست ساله انجام داده باشد که حتّیٰ اثبات ریاضی وجود وحدانیّت خداوند که بزرگترین آرزوی یکتاپرستان جهان اسلام [است] را از طریق این نظریه کشف نموده باشد.» (Y)

یکی از کارمندان دبیرخانه انجمن ریاضی ایران نقل می‌کند: چندی پیش شخصی متولد ۱۲۹۱ (با حدود ۹۱ سال سن) باتّفاق دخترش به انجمن ریاضی ایران مراجعه کردند که مدعی بودند:

«برای هر عدد، عددی یافته است که حاصل جمع آن با عدد داده شده و حاصل ضرب آن با همان عدد، یکسان است متشابهاً، حاصل تفریق و حاصل تقسیم.»

او مدّعی بود که این آموزش ریاضی را متحوّل می‌کند و جوان‌ها را از آلودگی نجات می‌دهد. (می‌گفت: با این روش آموزش، جوان‌ها تا قبل از ۱۸ سالگی دکترای خود را می‌گیرند و دیگر آلوده نمی‌شوند!). هم‌چنین همین شخص جداولی با اعداد چندین رقمی عجیب (جداول مربعی) رسم کرده بود که به این اعداد نام «نیرو» داده بود و می‌گفت این نیروها از تمام جهات با هم برابرند. ایشان مایل بودند این اکتشافات به نام خودشان ثبت شود و دنبال راهی بودند که از این مطالب شخص دیگری به نام خود سوءاستفاده نکند. (این نکته در اغلب این افراد مشابه است.)

۲. کالبد شکافی نوابیغ

البتّه نوابیغ در رشته‌های دیگر نیز وجود دارند. همکاری تعریف می‌کرد که یک نفر در مراجعهٔ حضوری به شورای شهر تقاضا کرد که از طرح پژوهشی ایشان حمایت شود. این طرح روش آموزش صحبت کردن به بلبل‌ها بود! ایشان بلبلی را هم همراه برده بود و ادّعا می‌کرد که حرف می‌زند ولی به‌خاطر ترس از جمعیّت از نطق کردن وامانده است.

مقاله‌هایی وجود دارند که در آن‌ها رفتار نوابیغ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مثل مقالهٔ [یک] که در آن چنین آمده است: «یکی از مشخّصه‌های نوابیغ ریاضی، مانند سایر انواع نوابیغ، این است که به موفّقیّت‌های کوچک قانع نیستند. حل مسائل معمولی آن‌ها را راضی نمی‌کند چرا که دون شأن آن‌هاست. می‌خواهند حرف مهم بزنند یا پنبهٔ حرف‌های مهم را بزنند. بیشتر دوست دارند مسائلی را حل کنند که دیگران ثابت کرده‌اند نمی‌توان آن‌ها را حل کرد ... خلاصه می‌خواهند کاری بکنند کارستان. و از حیث شجاعت و بلند پروازی دست کمی از دانشمندان درست و حسابی ندارند. ولی متأسفانه شباهتشان با نوابغ واقعی، در همین یک صفت خلاصه می‌شود.» برای علاقه‌مندان، مطالعه این مقاله را پیشنهاد می‌کنیم. نویسنده آن Underwood Dudley همان نویسندهٔ کتاب‌های [۱] و [۲] است. ایشان بیش از ربع قرن است که مشغول مطالعهٔ رفتار و کردار نوابیغ ریاضی هستند.

۳. نوابیغ و پخش نظراتشان

• مراجعه به هرجا و هرکس

اغلب نوابیغ چیز زیادی از ریاضی نمی‌دانند ولی علاقه‌مندند در این زمینه کار کنند. شاید بپرسید اصلاً چرا رفتیم سراغ این آدم‌ها؟ جواب را باید مراجعهٔ بیش از حدّ این افراد به انجمن ریاضی و نشریات وابسته به آن و مدیران گروه‌های ریاضی دانست. مثلاً به عنوان رئیس انجمن ریاضی لااقل از دفتر پنج مقام مختلف مملکتی برای بررسی ادّعای فقط یکی از ایشان نامه‌هائی همراه با ضمایم فراوان رسیده است (به پیوست ۳ مراجعه شود). راستش این افراد خیلی تنها هستند. یکی از آنها (X) نوشته بود: «از این‌که با شما بزرگوار در ارتباط هستم از ته دل خوشحالم و امیدوارم این ارتباط هم‌چنان پایدار باشد و از این حالت یک طرفه‌شدن خارج شده و ...
ریاضیدان‌های بزرگ به‌حق نمی‌توانند وقت کافی برای رسیدگی به این موضوعات بگذارند. دانشجویان ریاضی نیز اغلب نمی‌دانند که چنین افرادی هم وجود دارند. البتّه مشکل به این‌جا ختم نمی‌شود. بین نوابیغ بعضاً کسانی یافت می‌شوند که مستعدّ ایجاد مشکلات بسیار بزرگی برای ریاضیدانان و بقیّهٔ آدم‌ها هستند و اگر در برخورد با این افراد دقّت لازم را به عمل نیاورید باید منتظر یک دردسر خیلی بزرگ باشید که در ادامهٔ مقاله بیشتر متوجّه اهمیّت موضوع خواهیم شد.
همان‌طور که قبلاً اشاره شد یک گروه عمده از نوابیغ، تثلیث‌گرها هستند که اغلب آنها در دوران دبیرستان با مسألهٔ تثلیث مواجه می‌شوند. می‌دانیم که ثابت شده است تثلیث زاویه تنها با خط‌کش و پرگار امکان‌پذیر نیست. مثلاً به کتاب «ریاضیات چیست» [دو] فصل سوّم صفحات ۱۴۷ و ۱۴۸ رجوع کنید. ولی این افراد یا نمی‌دانند که چنین اثباتی وجود دارد و یا نمی‌توانند معنای "امکان‌ناپذیر بودن" در ریاضیات را درک کنند. آیا تا به حال با کسی مواجه شده‌اید که متوجّه نشود فقط با یک شمع و یا با یک چراغ موشی نمی‌توان یک تیر آهن را گداخت؟!
در برخورد با یک تثلیث‌گر، خواندن روش تثلیث وی عملاً کار بیهوده‌ای است. علاوه بر این، این افراد معمولاً نمودارهای پیچیده‌ای رسم می‌کنند که سر درآوردن از آن‌ها کار سختی است. جالب این‌جاست که حتّیٰ وقتی اثبات امکان‌ناپذیر بودن تثلیث را برایشان بفرستید باز هم اصرار دارند که روش آن‌ها مورد مطالعه قرار بگیرد! نمونه‌ای از این افراد خانم Z (دبیر ریاضی) بود که پس از ارائهٔ برهان توسّط یکی از نویسندگان (پیوست ۲) باز هم اصرار بر خواندن مقاله‌اش داشت. ایشان حتّیٰ تهدید کرد که اگر مقاله‌اش را نخوانیم ما را به صاحب شب قدر می‌سپارد.

• مراجعه به مقامات

یکی دیگر از ویژگی‌های نوابیغ این است که برای ثبت تئوری خود سراغ مقامات و مسؤولین رده بالای کشوری می‌روند و حتّیٰ ممکن است به بالاترین مقام کشور نیز رجوع کنند. یک نمونه از این افراد آقای U است که ادّعا می‌کند فرضیهٔ گلدباخ را ثابت کرده است. ایشان برای اثبات ادّعای خود حتّیٰ به رهبر و رئیس جمهور و رئیس قوّهٔ قضائیه نیز نامه نوشته‌اند. گوشه‌هایی از نامهٔ پرسوز و گداز این سودازدهٔ ریاضی را برایتان می آوریم:
«... کار جدیدم اثبات فرضیهٔ تاریخی گلدباخ است. این فرضیه به مدّت ۲۶۱ سال لاینحل باقی مانده بود و دانشمندان نامداری چون اولر، گاوس، وینوگرادف و ه ازان ریاضی‌دان دیگر در طول این ۲/۵ قرن برای حل آن کوشیدند ولی ناکام ماندند ... بنده پس از دوازده سال تلاش در سال ۱۳۸۰ (سال مولی علی(ع)) موفق به اثبات قطعی آن گردیدم. اثبات بنده در ۲۸۱ مرکز علمی و دانشگاهی جهان بررسی و کوچکترین ایرادی بر آن وارد نگردید. البتّه آمریکا پرداخت جایزهٔ ۱ میلیون دلاری بنده را مشروط به پذیرش تبعیت آمریکا نمود ... .»
نوابیغ ممکن است هر کدام به تنهائی به مراجع زیادی رجوع کنند که با این عمل با توجّه به نامه‌های مختلف

موجب اتلاف وقت بزرگی می‌شوند. مثلاً موردی به نام آقای X مقاله خود را به ۱۰۰ مرجع مختلف فرستاده بود که به قول خود چون از نوشتن همهٔ آن‌ها عاجز بود به ناچار به دستگاه کپی متوسّل شده بود! این آدم‌ها از رجوع به مقامات و مسؤولین خسته نمی‌شوند و اگر در برخورد با این آدم‌ها دقّت نکنیم ممکن است دچار یک دردسر اساسی شویم. مثلاً یکی از اساتید دانشگاه در جواب یکی از همین نوابیغ مقاله‌ای را برایش فرستاده بود که به خاطر این کار آن شخص ایشان را به دادگاه کشاند.

• **انتشار جزوات و کتاب‌ها**

در برخی موارد نوابیغ برای عرضهٔ نظریه‌های به قول خود«شگفت انگیزشان» دست به نشر کتاب در تیراژ چند ه از جلدی می‌زنند. حداقل دو مورد آن را اخیراً در کشور شاهد هستیم. یکی از این دو نفری که کتاب منتشر کرده است یک دانش آموز مقطع پیش دانشگاهی به نام Y است که ادّعا می‌کند:

«جلد اوّل این کتاب علاوه بر بعد ریاضیاتش، بعد دیگری نیز دارد که استفاده از آن در بحث‌های فلسفی و عرفانی از جمله اثبات روح، برزخ و حقیقت زنده شدن مردگان می‌توان نام برد و ....»

و دیگری نیز که کتاب خود را در دوران دبیرستان نوشته است، ادّعا می‌کند که:

«... در خلال این تحقیقات موفّق به کشف ریاضی اثبات وجود و وحدانیّت خداوند متعال نیز شدم که امیدوارم جوّ به خواب رفتهٔ علمی کشور را بیدار نماید و ...» (X).

حتماً تا به حال خبر کشفیّات جدید در علم را از رسانه‌های گروهی از جمله اخبار سراسری شنیده‌اید. ما مواردی را سراغ داریم که این افراد از طریق همین رسانه‌ها که مردم بسیاری به بخش خبرهای علمی آنها اعتماد دارند، خبر به اصطلاح کشفیات خود را به اطلاع عموم می‌رسانند. مثل خبر حل فرضیهٔ گلدباخ توسط آقای X که حداقل از یکی از شبکه‌های تلویزیونی پخش شده است. هم‌چنین ایشان چندین مصاحبهٔ مطبوعاتی چاپ شده در روزنامه‌های کثیرالانتشار را در پروندهٔ خود دارد.

خلاصه این‌که اگر پای درددل بعضی از آن‌ها بنشینید، ممکن است یک نطق مفصّل در مورد فرار مغزها به خاطر عدم حمایت از نابغه‌هائی مثل ایشان بکنند. اخیراً اغلب آن‌ها این ادّعا را نیز بر ادّعاهای قبلی خود اضافه کرده‌اند. مثل آقای U که حتّیٰ ادّعا می‌کرد از کشور آمریکا و انگلستان دعوتنامه برای ایشان و خانوادهٔشان فرستاده شده و به ایشان وی ای آمریکا همراه با چهار بلیط مجّانی هواپیما پیشنهاد کرده‌اند. وی یک دیسکت حاوی این ادّعا را به همه جا فرستاده بود که ما با دیدن دیسکت متوجّه شدیم موضوع چیزی نیست به جز چند پیام تبلیغاتی که برای شرکت در قرعه کشی برای اخذ ویزا یا مسافرت تفریحی معمولاً به تمامی کاربران Yahoo فرستاده می‌شود!

راه‌های پیشنهادی برای مواجهه با نوابیغ

با توضیحاتی که مطرح شد، حدس می‌زنیم همهٔ شما خوانندگان مثل ما معتقدید بهتر است فکری به حال این افراد بکنیم تا هم بسیاری را از درگیر شدن با آن‌ها نجات دهیم و هم خود این افراد دست از «آب در هاون کوبیدن» بردارند. مثلاً یکی از ایشان که دبیر ریاضی هم است، ابراز می‌دارد:

«اکنون بنده نه تنها از سال‌ها زحمت و تحقیقاتم خوشحال نیستم بلکه به‌شدّت غمگینم و فکر می‌کنم راه اشتباهی رفته‌ام که جذب علم و دانش و افتخار آفرینی برای کشورم شده‌ام. چون از اوّلین روز اتمام اثبات و اعلام آن به دانشگاه‌ها تمام اضافه کاری‌ها و کمک درآمدها و کلاس‌های اضافه‌ام را تعطیل کرده و علاوه بر آن مخارج بسیاری

نیز در این راه هزینه نمودم. البتّه هراسی نداشتم چون علاوه بر افتخار کشورم، یک میلیون دلار جایزه را نیز در دستم می‌دیدم. لذا از قرض کردن نیز هراسی نکردم. امّا اکنون خوار و خفیف شده‌ام. هر روز از صاحب‌خانه فرار می‌کنم که اجارهٔ چند ماه را نپرداخته‌ام. به اکثر آشنایان بدهکارم و شاید چند روز دیگر جهت بدهی به زندان هم بروم . . . . به زندان بروم یا به آمریکا بروم و تبعهٔ آنجا شوم (البتّه بلیط هواپیما و کارت اعتباری نیز برایم فرستاده‌اند که در دیسک همراه نامه موجود است) یا در کشورم بمانم و اثبات قطعی فرضیهٔ گلدباخ را با خودم به آن دنیا ببرم . . . .» (U).

ما **مخاطبین** این افراد را به **چهار دسته** تقسیم می‌کنیم:

- **دستهٔ اوّل**، کسانی که **وقت کافی** برای پاسخ‌گویی به این افراد را **ندارند**. به ایشان توصیه می‌کنیم همین مقاله را در پاسخ آن‌ها ارسال کنند. چه بسا با مطالعه این مقاله بسیاری از مدّعیان پی به اشتباه خود برده و کار خاتمه یابد.
- **دستهٔ دوّم**، بعضی از **رسانه‌ها** هستند که با پخش خبرهای غلط یا چاپ کتاب‌های خالی از هرگونه بار علمی موجب گمراهی اذْهان عمومی می‌شوند. با توجّه به رسالت مهم رسانه‌ها در اطلاع رسانی چاپ این‌گونه خبرها از طرف برخی از این رسانه‌ها بسیار تأسف برانگیز است. رسانه‌ها قبل از نشر هرگونه خبر علمی باید آن را توسط یک کارشناس مورد بررسی قرار دهند و در صورت اطمینان از صحّت، اقدام به پخش آن نمایند.

- **دستهٔ سوّم**، **دفاتر مقامات و مسؤولین مملکتی** است که تصوّر می‌کنیم در موارد بسیاری تشخیص این عدّه از نوابیغ برایشان کاری دشوار است. مثلاً یکی از مسؤولان با ارسال ادّعای آقای X که قبلاً دیدیم ادّعای «نامرئی کردن فیزیکی اشیاء را» داشت به وزیر علوم، تحقیقات و فن‌آوری، نوشته بودند «به پیوست تصویر نامهٔ آقای X از محققین، نظریه پردازان و طراحان ریاضی کشور تقدیم می‌گردد. نامبرده از نوجوانی تا کنون موفّق به کشفیات و ارائهٔ طرح‌هایی در زمینهٔ علوم ریاضی گردیده‌اند لیکن برای ادامهٔ فعّالیّت‌های خود نیازمند مساعدت و حمایت می‌باشند. نامهٔ پیوست و ضمیمهٔ آن **خود گویای تمام توانایی‌ها و نبوغ نامبرده است**. انتظار دارم درخواست ایشان مورد امعان نظر قرار بگیرد که قطعاً در پیشبرد اهداف علمی ایشان در نگاهی وسیع‌تر، کشور ایران بسیار سودبخش خواهد بود.»

هم‌چنین از طرف دفتر یکی از مقامات بلند پایهٔ کشور پی‌نوشتی دربارهٔ ادّعای آقای X به انجمن ریاضی ایران نوشته‌اند: « از ارسال کتاب تألیفی آقای X محقق جوان و عزیزمان تشکر و قدردانی می‌شود. برای ایشان از خداوند بزرگ آرزوی توفیق بیشتر را دارم.»

لذا به دفتر مقامات پیشنهاد می‌کنیم اگر بررسی این ادعاها برایشان مهم است، از تعدادی از کارشناسان دعوت کنند که به رسیدگی آن‌ها بپردازند. انجمن‌های علمی می‌توانند معرّف این کارشناس‌ها باشند.

- **دستهٔ چهارم**، **کسانی که علاقه‌مند به این مسائل هستند** و **وقت کافی** برای رسیدگی به آن‌ها را **دارند**. اگر شما هم جزء این گروه هستید، پیشنهاد می‌کنیم مقالهٔ [یک] را مطالعه کنید. همان‌طور که گفتیم نویسندهٔ مقالهٔ فوق حدود ۲۵ سال در این زمینه کار کرده و راه‌های مختلفی را در برخورد با این افراد امتحان کرده است. ایشان نتیجهٔ تجربیّات خود را در این مقاله چنین بیان می‌کند:

«سرانجام وقت آن رسیده که بگویم با تثلیث‌گرها چگونه باید برخورد کرد. امّا بگذارید اوّل بگویم چگونه نباید برخورد کرد. یک راه خلاصی موقّت از چنگ تثلیث‌گرها آن است که بگویید: خوب تا اینجایش قبول، امّا می‌دانید که باید برای درست بودنش برهان داشته باشید. یعنی یک سری حکم‌ها و استدلال‌هایی نظیر آنچه در کتاب هندسهٔ قدیمیتان داشتید. تثلیث‌گر از نزدتان می‌رود ولی به همراه برهان برمی‌گردد. در این مرحله ممکن است بگویید:

خوب، حالا نگاهی به آن بیاندازیم، اشتباه آن را بیابید و به تثلیث‌گر گوشزد کنید.

تثلیث‌گر این بار هم می‌رود ولی باز همراه با برهان تجدید نظر شده‌ای برمی‌گردد که طولانی‌تر، پیچیده‌تر و یافتن اشتباهش دشوارتر است. تجدید نظرهای پیاپی در برهان، کار را به جایی می‌کشاند که دیگر نتوانید یا نخواهید اشتباه آن را پیدا کنید. قدم بعدی که آن نیز خطاست، این است که بگویید:

راستش من وقت بررسی این برهان را ندارم ولی می‌دانید که شخصی به نام وانتسل در سال ۱۸۳۷ ثابت کرده که زاویه را نمی‌توان با خط‌کش و پرگار تثلیث کرد. برهان او موجود است، این هم برهان شما؛ هر دوی این‌ها نمی‌توانند درست باشند؛ پس چاره‌ای نیست جز این‌که شما در برهان وانتسل اشتباهی پیدا کنید. این کار هم تثلیث‌گر را از سرتان باز می‌کند. ولی او دیر یا زود برمی‌گردد با ردیه‌ای بر برهان وانتسل در قالب چنان عباراتی که درک معنی‌شان ناممکن است. هیچ چیز نمی‌تواند راه را بر تثلیث‌گر از خود گذشته ببندد.

پس در برخورد با تثلیث‌گر چه باید کرد؟ به اوّلین نامهٔ تثلیث‌گر، اگر مطمئن شدید که خوبی تقریب یا سادگی روش یا هوشمندی او در یافتن تقریبی جدید قابل توجّه است، مؤدّبانه جواب بدهید. به همراه نامه، برایش فهرستی کامپیوتری از اشتباهات موجود در ترسیم برای زاویه‌های مختلف بفرستید. من معمولاً فهرست را برای ۰ تا ۱۸۰ درجه، با فواصل ۳ درجه‌ای تهیّه می‌کنم. این کار مهم است زیرا هنوز کامپیوتر قدرت آن را دارد که احساس احترام و ابهتی در افراد ایجاد کند. همچنین با آن نامه چند تثلیث تقریبی دیگر را بفرستید با تذکّری از این قبیل که فکر کردم شاید علاقه‌مند باشید ببینید دیگران چه تثلیث‌های تقریبی به دست آورده‌اند. در سال‌های اخیر با استفاده از این روش میزان موفّقیّتم بالا رفته است. یادم هست که اوّلین موفّقیّت تا چه حد مایهٔ رضایت خاطرم شد. مهندسی در شهر نیوجرسی کتاب بزرگی با جلد مقوّایی در حجم بیش از ۲۵۰ صفحه تهیّه کرده بود که عنوان ماجراهای هندسه روی جلد آن با حروف زرکوب نقش بسته بود. به نظرم رسید کسی که این همه برای تثلیث مایه گذاشته باشد، راه نجاتی ندارد. ولی او ضمن پاسخ نامه‌ام نوشت: همین قدر که توانسته‌ام به تقریبی برسم راضی هستم و دیگر آن را کنار می‌گذارم. این بار روحم از نفرین به دور ماند! اخیراً چند موفّقیّت دیگر هم داشته‌ام و شاید برخی از این تثلیث‌گرهای لب فرو بسته، متقاعد هم شده باشند. اگر با این روش کاری از پیش نرفت، آن وقت بی‌رحم باشید. نامهٔ تند و برخورنده‌ای بنویسید، به این قصد که طرف از شما بدش بیاید. دیگر به هیچ قیمتی مزاحم شما نخواهد شد و شاید بخشی از نفرتش منجر به بی‌علاقگی نسبت به ریاضیدانان و بی‌میلی به ادامهٔ کار تثلیث شود، زیرا معمولاً انسان اگر بتواند، از کاری که مایهٔ آزارش شود خودداری می‌کند. اگر همه همین روش را در پیش می‌گرفتند نسل تثلیث‌گرها تحلیل می‌رفت و منقرض می‌شد. در آن صورت کسانی که سودازدگی جزء سرشتشان است مزاحم اقتصاد دان‌ها، فیزیک‌دان‌ها یا علمای الهیّات می‌شدند و ما می‌توانستیم در آرامش و امنیّت زندگی کنیم و مطمئن باشیم که از این پس هیچ سودازده‌ای به سراغمان نخواهد آمد. در این جا به طور خاص در مورد تثلیث‌گرها صحبت شده است، امّا حتماً شما آن قدر وارد هستید که با استفاده از آن، روش برخورد با سایر نوابغ را نیز بیابید.»

مؤخره . از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود اگر خاطره‌ای از نوابغ دارند حدود یک یا دو صفحه به اینجانبان ارسال دارند تا در ضمیمه این مقاله بیاید. به پیوست نمونه‌ای از نامه‌های ارسال شده در رابطه با نوابغ ضمیمه شده است:

پیوست: چند نمونه از نامه‌های ارسالی دربارهٔ مدّعیان

- **پیوست ۱: آقای ...**

مقاله شما را در ادعای کشف فرمول محاسبه محیط بیضی مشاهده کردم. به اطلاع می‌رساند که انجمن ریاضی ایران بر اساس تجربه‌های قبلی به این‌گونه مدعیان پیشنهاد می‌کند که با اساتید دانشگاه‌ها مستقیماً مکاتبه نمایند. اما این‌جانب خود به‌عنوان یک عضو هیات علمی دانشگاه، نظرم را ذیلاً مکتوب می‌نمایم.

لازمه محاسبه فرمول دقیق محیط بیضی محاسبه انتگرال‌هایی مانند انتگرال زیر است که ثابت شده است **محاسبه آن برحسب توابع معمولی امکان‌پذیر نیست.**

$$۴\int_{۰}^{\frac{\pi}{۲}} \sqrt{a^۲ \sin^۲ t + b^۲ \cos^۲ t}\, dt$$

این فرمول با استفاده از فرمول پارامتری بیضی که به‌صورت

$$\begin{cases} x = a\cos t \\ y = b\sin t \end{cases}$$

است به‌دست می‌آید. و این موضوع تقریباً در هر کتاب ریاضیات عمومی (CALCULUS) نیز آمده است.

متأسفانه بعضی از افراد معنی امکان‌ناپذیر بودن را متوجه نمی‌شوند و اغلب تلاش بیهوده در یافتن چنان فرمولهائی می‌نمایند. امیدوارم که جنابعالی معنی آن را دریافته باشید. باعث تأسف است که بعضی از رسانه‌ها نیز بدون مشورت با متخصصین اقدام به چاپ یا نشر بعضی از «کشفیّات» می‌کنند که باعث توهم بعضی از افراد می‌شود.

ـ با احترام، سیدعباداله محمودیان، رئیس دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه صنعتی شریف و رئیس انجمن ریاضی ایران

- **پیوست ۲: خانم ...**

با سلام، مقالهٔ شما را مشاهده کردیم و به اطّلاع شما می‌رسانیم که ثابت شده است تثلیث زاویه به کمک خط‌کش و پرگار امری است امکان ناپذیر. بدین منظور شما را مثلاً به صفحات ۱۴۷ و ۱۴۸ از «کتاب ریاضیات چیست؟» تألیف ریچارد کورانت که ضمیمهٔ نامه است ارجاع می‌دهیم. برای اطّلاع بیشتر پیشنهاد می‌کنیم فصل سوم کتاب فوق را مطالعه بفرمائید.

ـ با امید سلامتی روز افزون شما، سیدعباداله محمودیان، استاد دانشکدهٔ علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف

- **پیوست ۳: استاد محترم جناب آقای دکتر ... معاون محترم پژوهشی وزارت ...**

باسلام، احتراماً عطف به نامه مورخه ..... شماره..... به استحضار می‌رسانم که کتاب ارسالی (تالیف آقای ......) توسط دو نفر داور مورد بررسی قرار گرفت. نظر ایشان در ضمیمه آمده است.

متأسفانه ظرف چند ماه اخیر که اینجانب ریاست انجمن ریاضی ایران را به عهده گرفته‌ام چند مورد مشابه این نامه به بنده ارسال شده است (بعضی از آن‌ها مانند کتاب فوق الذکر از چندین اداره مختلف). رسیدگی به آنها بسیار وقت‌گیر است. در صورتی که خود مکتوبات نشان از بی‌اساس بودن «نظریه» دارد. مثلاً همین نویسنده ادعا دارد که تا پایان سال (۱۳۸۲) «تئوری نامرئی کردن فیزیکی اشیاء را کامل» می‌کند. جالبتر این‌که بعضی از مقامات نیز این ادعا را «گویای تمام توانائی‌ها و نبوغ نامبرده» می‌دانند.

پیشنهاد اینجانب این است که اگر این‌گونه ادعاها برای دفتر جنابعالی مهم است، مؤسسه‌ای تأسیس بفرمائید تا آن‌ها را بررسی کند. در آن صورت اگر لازم تشخیص بدهید انجمن می‌تواند متخصصین امر را برای آن موسسه پیشنهاد کند.

ـ با تقدیم احترام، سید عباداله محمودیان، رئیس انجمن ریاضی ایران و رئیس دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه

صنعتی شریف

رونوشت: به چهار مرجع دیگر که کتاب فوق را فرستاده بودند.

مراجع

[یک] اندرووود دادلی، با تثلیث‌گرها چگونه برخورد کنیم، (ترجمهٔ محمد باقری) نشر ریاضی: مجلهٔ ریاضی مرکز نشر دانشگاهی، سال ۲ شمارهٔ ۳ آذر ۱۳۶۸ صفحهٔ ۲۲۷ – ۲۲۲.

[دو] ریچارد کورانت و هربرت رابینز، ریاضیات چیست؟ ترجمهٔ سیامک کاظمی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.

[۱] Underwood Dudley, *A Budget of Trisections*, Springer-Verlag, New York, 1987.

[۲] Underwood Dudley, *Mathematical Cranks*, Mathematical Association of America, Washington, D.C. 1992.